**ازدواج، تداوم نسل ها و ثبات اجتماعی**

پدید آورنده : زهره مختاری ، صفحه 7

|  |
| --- |
| ازدواج پدیده ای مستقل و فارغ از بستر زمانو مکان نیست؛ بلکه یک پدیده دقیق اجتماعی است که در هر زمان و هر مکان چهره ای خاص دارد و به دنبال دگرگونی هیی که در اصر گذشت زمان و تغییرات اجتماعی پدید می اید. همراه با جامعه دگرگون می شود. با ازدواج منزلت اجتماعی فرد دگرگون می شود. وظایف و مسئولیت های تازه ای در برابر او قرار می گیرد و همراه با این تحوّل ژرف را در حیات فردی، جامعه به آن ابعاد جمعی نیز می بخشد و زا آن در راه اهداف خود بهره می برد.  گذشته از این ازدواج در زمره پیچیده ترین روابط انسانی است و به یقین می توان گفت که هیچ یک از روابط انسانی، ابعادی به وسعت و تعدّد ابعاد ازدواج ندارند و در نتیجه، ازدواج ارتباطی را پدید می آورد که در مقایسه با دیگر ارتتباطات انسانی، از فراگیری بی نظیری برخوردار است. ازدواج برای حفظ عفّت انسان ها (زن و مرد)، به طور یکسان شکل گرفته است و به همین علّت حفظ ارزش های گروهی و انسانی را بر عهده دارد و گزینش همسر، موجبات ثبات فرهنگ هر گروه را در خلال نسل ها فراهم می آورد. ازدواج، تجربه ای حیاتی است که با اینده دو همسر و واقعیات فکری و روحی و سرنوشت هر یک از آنها سر و کار دارد.  ازدواج برای آن صورت می گیرد که کانونی برای پذیرایی نسل اینده تشکیل گردد و بنا بر احادیث بسیار، بسیار مقدّس و والا شمرده شده است. پیامبر اکرم می فرماید: «هیچ چیزی نزد خداوند، محبوب تر از ازدواج نیست» و از امیرالمؤنین علی(ع) نقل است که: «ازدواج کنید که همانا ازدواج کردن، سنّت رسول خداست که همواره می فرمود: هر کس دوست دارد از سنّت من تبعیت کند، همانا ازدواج کردن از سنّت من است».  **دیدگاه جامعه شناسان**  کارلسون (G.Karlsson) در یکی از آثارش درباره ازدواج می گوید: «ازدواج، فرایندی است از کنش متقابل بین دو فرد، یک مرد و یک زن که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده اند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود برپا داشته اند و به طور کلّی عمل آنان مورد پذیرش قانون قرار گرفته و به آن ازدواج گفته می شود»1. همچنین کلود لِوی (C.Levi\_Strauss) اشتراوس معتقد است که ازدواج، برخوردی شورانگیز بین فرهنگ و طبیعت یا میان قواعد اجتماعی و کنش جنسی است. به اعتقاد لوی اشتراوس، تمامی این فرایند، منبعث از این واقعیت است که انسان، موجودی با نیازهای طبیعی و در عین حال، موجودی با نیازهای اجتماعی است.  آرتور فیلیپس (A.Philips) عقیده دارد که: «ازدواج، تأسیس شرکتی است میان دو انسان به منظور تأمین نیازهای متقابل و زادن و پرورش فرزندان».  به گمان گونتر (H.F.K.Gunther)، انگیزه های اصلی ازدواج را می توان گرایش های دو سویه موجودات بشری به جنس مخالف، نیاز به همکاری دوجانبه، در پیکار برای زیستن، میل به داشتن فرزند و ادامه نسل دانست. افلاطون دوام سامان و سازمان جوامع را معطوف به ازدواج می داند و معتقد است برای آن که خانواده ها خوب سازمان یابند، باید قوانین اصلی جمهوری، قوانینی باشد که ازدواج را سامان بخشد.  **خانواده**  با پدیده ازدواج، نهادی اجتماعی به نام «خانواده» شکل می گیرد که در طول سالیان دراز و اعصار گذشته، کانون کار و استراحت بوده است؛ امّا امروز علاوه بر این، کانون فرهنگی و اجتماعی نیز هست و از لحاظ اخلاقی و فرهنگی، تأثیرات بسیاری بر جامعه می گذارد و در میان تمامی نهادها و سازمان های اجتماعی، نقش و اهمیتی خاص دارد.  با توجّه به اهمیت حیاتی خانواده در اجتماع که جامعه شناسان بر آن تأکید فراوان دارند، هنوز مفهوم خانواده، یکی از پرابهام ترین مفاهیم این علم است. بورگس و لاک (W.Burgess, H.Lock) در اثر مشترکشان در زمینه خانواده در سال 1953م، می نویسند: «خانواده گروهی متشکّل از افرادی است که از طریق پیوند زناشویی، همخونی و یا پذیرش فرزند، به عنوان شوهر، زن، مادر، پدر، برادر و خواهر، در ارتباط متقابلند و فرهنگ مشترکی پدید می آورند و در واحد خاصّی زندگی می کنند».  اهمیت حیاتی خانواده در سلامت جسم و روان انسان ها در تمامی جوامع تا بدانجاست که شرایط موجود در آن آثاری ژرف در جامعه بر جا می گذارد. بدین قرار، خانواده واحدی است اجتماعی با ابعاد گوناگون زیستی، اقتصادی، حقوقی، روانی و جامعه شناختی؛ در واقع خانواده نمادی اجتماعی به شمار می اید که همانند اینه ای عناصر اصالی اجتماع را در خود دارد و انعکاسی از نابه سامانی های اجتماعی است. به بیان دیگر، خانواده، معیار شناخت و سنجش آسیب های اجتماعی است.  هورکهایمر (M.Horkheimer)، معتقد است که از میان تمام نهادهای اجتماعی که فرد را برای قبول اقتدار حکومتی آماده می سازند، خانواده در مقام اوّل قرار دارد؛ زیرا خانواده به عنوان مهم ترین قدرت تربیتی از بازتولید و شخصیت انسان ها مراقبت می کند. همچنین اوّلین نهاد دربرگیرنده انسان، خانواده است؛ نهادی که وابستگی کاملی با نظام کلّی جامعه دارد و ساختار باید و نبایدها، اخلاقیات و آداب و رسوم فرهنگی در نهاد آن شکل می گیرد. بنا بر این، خانواده اهداف کلّی جامعه را دنبال می کند.  **نقش خانواده در تداوم نسل ها**  اگر خانواده را به عنوان یک پدیده در نظر بگیریم و قبول کنیم که این پدیده در شکل گیری خود معلول جذّابیت و مجذوبیت زن و مرد است ،باید بپذیریم که بقا و تداوم آن نیز معلول همین علّت است و به طور حتم، عامل تشکیل خانواده، عامل بقا و استمرار جامعه نیز هست و آنچه امروز بیش از بیش باید به آن توجّه کرد، تغییرات بسیار گسترده و سریعی است که از یک قرن پیش در نهاد خانواده به وقوع پیوسته است. به طور مثال تحوّلات شگرفی که در پیدایش شهرهای بزرگ، مهاجرت وسیع روستائیان به شهرها و گسترش وسایل ارتباطی، رخ داده است، باعث بروز تغییرات همه جانبه ای در فرایند ازدواج شده است که به دنبال این تغییر و تحوّل در ازدواج، خانواده و جامعه نیز دگرگون شده اند؛ همان که ژان استوتزل (J.Stoetzel)، از آن به عنوان «انفجار نقش های سنّتی خانواده» یاد کرده است.  پیدایش شکاف در دیورا زندگی سنّتی و فقدان تکامل مطلوب در روابط زوجین، فرایندی است که در ثبات اجتماعی تأثیر بسزایی دارد؛ زیرا به طور قطع، مشکلات بسیاری که در این زمینه وجود دارد، سبب کشمکش های درونی خانواده می شود و به این ترتیب، با افزایش آسیب های اجتماعی رو به رو می شویم. جمعیت شناسان تأثیرات عمیق تغییرات فوق را در میزان باروری، مورد بررسی قرار داده و بر نقش این عوامل در تداوم نسل ها تأکید ورزیده اند. همچنین تأثیر فرهنگ و جامعه بر امر ازدواج نیز گاهی آن را به مشکلتی چند مواجه می سازد. به عنوان مثال، هنگامی که انتخاب همسر با هزینه های سنگینی چون هزینه مراسم بزرگ و با شکوه، جهیزیه سنگین، مهریه سنگین و... رو به رو می شود، در نتیجه با تأخیر در ازدواج، کاهش در عمومیت آن و نیز کاهش در شمار متولّدین و سرانجام کاهش میزان باروری مواجه هستیم. با این همه، جامعه همواره ترجیح داده است که ازدواج افراد، با مراسمی خاص و گاه با اهمیت بسیار برگزار شود. امّا در واقع، با توجّه به این نکته که ازدواج، واقعه اجتماعی بسیار مهمّی است و پایندگی گروه و زندگانی کیفی و کمّی نسل های متوالی به آن بستگی دارد، باید با کاهش هزینه ها در اجرای مراسم و مهریه و جهیزیه و فراهم آوردن تسهیلات لازم برای ازدواج جوانان، از تأخیر در این امر مهم، جلوگیری کرد.  به اعتقاد استاد شهید مطهری «ازدواج تنها برای آن نیست که زن و مرد از مصاحبت هم لذّت ببرند، ازدواج برای آن صورت می گیرد که کانونی برای پذیرایی نسل اینده تشکیل گردد. خانواده محیطی است که عواطف اجتماعی و انسانی در آن رشد می کند».  **نکته**  در بررسی نقش ازدواج درتداوم نسل ها و ثبات اجتماعی، این نکته حائز اهمیت است که هیچ جامعه ای نمی تواند در برابر ازدواج یا پدیده ای که توزیع ژن را در آن تحت تأثیر قرار می دهد و به عبارتی بقای نسل و تکامل کمّی و کیفی آن، بدان مربوط است، بی توجّه بماند. همچنین هیچ جامعه ای نمی تواند ادّعای سلامت کند، مگر آن که از خانواده هایی سالم برخوردار باشد؛ چرا که هیچ یک از آسیب های اجتماعی نیست که فارغ از تأثیر خانواده پدید آمده باشد.  روند رو به رشد بزهکاری های اجتماعی در کشورهایی که بنیان خانواده در آنها متزلزل شده، حاکی از آن است که بی توجّهی به پدیده ازدواج و نهاد خانواده، در گسترش این معضل تأثیر بسزایی دارد. پس باید به منظور رعایت مصالح جامعه بشری و خانواده، مرزبندی های دقیقی در مناسبات مرد و زن و روابط فردی و اجتماعی و خانوادگی افراد، صورت گیرد؛ زیرا سعادت و سلامت اجتماع و تداوم نسل ها جز در سایه تنظیم روابط و تقسیم عادلانه مسئولیت ها صورت نمی پذیرد.  **خانواده جدید**  به رغم دگرگونی های نوینی که در امر ازدواج و تشکیل نهاد خانواده در جوامع امروزی پیش آمده است؛ خانواده جدید باید در تطبیق با جریان های جدید اجتماعی تقویت شود؛ زیرا فرهنگ جدید با دگرگونی هایی که در ساختار خانواده به وجود آورده، آن را انسانی تر ساخته است.  در ازدواج های کنونی به طور کلّی، خواست هیچ کس بجز دو فرد، یعنی همان کسانی که سرنوشتشان بر این قرار گرفته که شریک زندگی هم باشند، چندان به حساب نمی اید. از این دیدگاه می توان گفت که ازدواج، تحوّلی شگرف یافته است. چرا که قبل از این، ازدواج فرزندان از وظایف و اختیارات بزرگترها بود امّا امروزه با افزایش آزادی های فردی، انسان ها بنا به خواست خود به کار ازدواج می پردازند هر چند این روند آزادی هرگز به امحای نقش والدین نینجامیده است. چرا که امروز هم ازدواجی موفق تر است که ترکیبی از احساس و عقل در شکل گیری آن، دخیل باشد و در فضای همکاری جوان و والدینش صورت گیرد.  **پی نوشت ها:**  1 . انطباق پذیری و ارتباط در ازدواج، کارلسون، به نقل از: مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، باقر ساروخانی، تهران: سروش، 1379.  منابع  1 . مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، باقر ساروخانی، تهران، سروش، 1379.  2 . مقام زن، خلاصه آثار شهید مطهری، تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، 1380. |